)رونویسی توسط TurboScribe.ai. برای حذف این پیام، از حالت نامحدود استفاده کنید(

از اینکه اینجا هستم خوشحالم. اسم من استیو هافمن است، اما در سیلیکون ولی به من کاپیتان هاف می‌گویند. این لقب من است.

من کاپیتان فاندراسپیس هستم، و فاندراسپیس یک مرکز رشد و شتاب‌دهنده است. همه چیز سیاه شد. شروع می‌کنیم.

یک مرکز رشد و شتاب‌دهنده که در سراسر جهان فعالیت می‌کند. بنابراین من ۷۰٪ از وقتم را صرف سفر به سراسر جهان و بررسی فناوری‌های جدید می‌کنم. ما بیش از ۵۰ شریک در ۲۲ کشور داریم و Founderspace توسط مجله فوربز به عنوان شتاب‌دهنده شماره یک برای استارتاپ‌های خارجی در سیلیکون ولی رتبه‌بندی شده است.

ما در فضای کار اشتراکی خود، Soma Central، استارتاپ‌های معروف زیادی داشته‌ایم، مانند اینستاگرام، Angel List، Foursquare، و امروز می‌خواهم در مورد برخی از فناوری‌هایی که بیشتر از همه مرا مجذوب خود می‌کنند صحبت کنم. خب، این فناوری‌ها آینده مغز هستند. مغز انسان ما و مسیری که با فناوری طی می‌کند.

بنابراین اگر مغز خود را بررسی کنیم، متوجه خواهیم شد که بیش از ۱۰۰۰۰۰ سال است که مغز ما ثابت مانده است. اما دنیای اطراف ما به طور اساسی تغییر کرده است. پس در مورد آن فکر کنید.

ما همان مغزی را داریم که یک انسان غارنشین ماقبل تاریخ، یک نئاندرتال، همان مغز. اما دنیا کاملاً تغییر کرده است. این قدرت مغز ماست.

خیلی انعطاف‌پذیره. می‌تونه خودش رو دوباره برنامه‌ریزی کنه. اما حالا قراره شروع به تغییر مغزمون کنیم.

و ما این کار را با فناوری جدید انجام می‌دهیم. اکنون برخی از فناوری‌های اساسی موجود، مانند EEG، به شما امکان می‌دهند امواج مغزی خود را اندازه‌گیری کنید. و این دستگاه‌ها می‌توانند سطح تمرکز شما را تشخیص دهند.

می‌توان از آنها برای حرکت دادن مکان‌نما روی صفحه استفاده کرد. برنامه‌هایی برای این دستگاه‌ها در سرگرمی وجود دارد. آنها در حال کار بر روی آنها برای کنترل بازی‌ها هستند.

در پزشکی، این دستگاه‌ها برای شرایطی مانند اختلال استرس پس از سانحه (PTSD)، اختلال استرس پس از سانحه (PTSD)، اختلال کم‌توجهی-بیش‌فعالی (ADHD) و سایر شرایط استفاده می‌شوند. و از آنها برای آموزش نیز استفاده می‌شود. اکنون کاربردهایی برای مطالعه کودکان دارند.

و آنها سطح تمرکز آنها را اندازه‌گیری می‌کنند و می‌توانند در واقع برنامه‌ها را با یادگیری کودکان تغییر دهند. اما جایی که ما به آن سمت می‌رویم، و بگذارید یک دقیقه به شما بگویم، این است که این دستگاه‌ها اکنون قادر به ثبت رویاها هستند. اما نه به صورت خیلی جزئی.

به روشی بسیار ابتدایی. آنها واقعاً می‌توانند آنچه را که یک فرد در خواب می‌بیند، ثبت و شناسایی کنند. بنابراین مطالعاتی انجام داده‌اند که در آن این دستگاه‌ها را به سر فرد وصل کرده‌اند.

آنها را در خواب دیده‌اند. آنها را بیدار کرده‌اند. و سپس از آنها خواسته‌اند خاطرات خوابشان را به یاد بیاورند.

و آنها الگوهای مغز را می‌خوانند. و سپس فرد دوباره به خواب می‌رود. و اگر آنها خواب همان چیزها را ببینند، می‌توانند آن الگوها را تشخیص دهند.

این تازه آغاز مسیری است که ما به سمت آن حرکت می‌کنیم. در حال حاضر، دانشمندان در آزمایشگاه‌های سراسر جهان در حال توسعه تراشه‌های مغزی هستند. اکنون این تراشه‌ها می‌توانند در مغز قرار گیرند و بی‌سیم هستند.

و بگذارید به شما نشان دهم. آنها در واقع یک میمون داشتند که کمرش شکست. بنابراین نخاعش قطع شد.

میمون از کمر به پایین فلج بود. اما آنها یک تراشه در مغز میمون قرار دادند. و سپس تراشه دیگری را در قسمت پایین ستون فقراتش قرار دادند.

و آنها به مغز اجازه دادند تا با قسمت پایینی ستون فقرات ارتباط برقرار کند. به محض اینکه این کار را انجام دادند، میمون دوباره توانست راه برود. این شگفت‌انگیز است.

کاملاً شگفت‌انگیز. بنابراین آنها واقعاً می‌توانند افکار میمون را به صورت بی‌سیم به قسمت‌هایی از بدن منتقل کنند. اما حتی از این هم شگفت‌انگیزتر می‌شود.

بنابراین، آنها اکنون در آزمایشگاه، میمون‌هایی با تراشه‌هایی در مغزشان دارند. و سپس یک ویلچر برقی دارند. و فقط با فکر کردن، فقط با فکر میمون، می‌توانند ویلچر را به اطراف هدایت کنند.

به این فکر کنید. اگر یک میمون می‌تواند این کار را انجام دهد، شما چه کاری می‌توانید انجام دهید؟ اگر آن تراشه را در مغز خود داشتید. آنها همچنین آزمایش‌هایی را با میمون‌ها با تراشه‌ای در مغزشان و یک بازوی رباتیک انجام داده‌اند.

و میمون، فقط با فکر کردن، می‌تواند دستش را دراز کند و چیزی، مانند غذا، را بگیرد و خودش را سیر کند. اگر در موردش فکر کنید، این شگفت‌انگیز است. بنابراین افکار میمون در واقع قادر به کنترل چیزهایی خارج از بدنش هستند.

بنابراین وقتی شروع به فکر کردن در مورد آینده، در مورد اینکه فناوری به کجا می‌رود، می‌کنیم، این جایی است که به آن می‌رویم. ما تراشه‌های مغزی در انسان‌ها خواهیم داشت. و افرادی که ابتدا این تراشه‌های مغزی را دریافت می‌کنند، افرادی هستند که از بیماری‌های شدید پزشکی رنج می‌برند.

بنابراین اگر شما یک بیماری شدید پزشکی دارید، مثلاً از گردن به پایین فلج هستید، یا از یک اختلال مغزی مانند بیماری آلزایمر یا پارکینسون رنج می‌برید، و آن تراشه مغزی می‌تواند کیفیت زندگی شما را بازیابی کند، آیا در دریافت تراشه تردید می‌کنید؟ نه، البته که نه. شما می‌گویید، تراشه را در مغز من قرار دهید. بنابراین این آزمایش‌ها از همین الان شروع می‌شود.

و جالب‌تر اینکه، دانشمندان آزمایش‌هایی روی موش‌ها انجام داده‌اند. و آنها تراشه‌هایی در مغز موش دارند. و کاری که انجام دادند این بود که به یک موش یاد دادند چگونه کارهای خاصی را انجام دهد.

و وقتی موش همه این کارهای پیچیده را انجام می‌داد، می‌توانست غذا پیدا کند. حالا، هفته‌ها طول کشید تا موش این را یاد بگیرد. هفته‌ها.

هفته‌ها. اما بعد تراشه مغز موش را به اینترنت وصل کردند. و موش دیگری را در شهر دیگری داشتند.

و فوراً مغز آن دو موش را به هم متصل کردند. و می‌دانید چه اتفاقی افتاد؟ موش دیگر می‌دانست که چگونه فوراً غذا را به دست آورد. لازم نبود چیزی یاد بگیرد.

این دانش از یک مغز یک حیوان زنده به مغز دیگری منتقل شده است. این شگفت‌انگیز است. این دنیایی از امکانات را به روی ما می‌گشاید.

چون اگر امروز می‌توانند این کار را روی موش‌ها انجام دهند، تصور کنید ده سال بعد، روی انسان‌ها چه کاری می‌توانند انجام دهند. و ما به آنجا خواهیم رفت. بنابراین، ارتباط ذهن به ذهن.

این چیزی شبیه داستان‌های علمی تخیلی است که همه ما درباره‌اش خوانده‌ایم. اما همانطور که به شما نشان دادم، این در واقع امروز امکان‌پذیر است. بنابراین به نقطه‌ای خواهیم رسید که اگر ما یک تراشه در مغزمان داشته باشیم، و شما هم در آنجا یک تراشه در مغزتان داشته باشید، می‌توانیم با هم ارتباط برقرار کنیم.

ما می‌توانیم بدون صحبت کردن ارتباط برقرار کنیم. می‌توانیم وقتی در آن سوی دنیا هستید با هم ارتباط برقرار کنیم. و می‌توانیم دانش خود را مبادله کنیم.

بنابراین، اگر به جهانی نگاه کنید که در آن این تراشه‌ها به اینترنت متصل هستند، ناگهان هر قطعه اطلاعاتی در اینترنت برای ذهن ما قابل دسترسی می‌شود. حالا، وقتی به امروز نگاه می‌کنیم، و مجبوریم به Baidu یا Google برویم و آن را تایپ کنیم، خیلی ابتدایی به نظر می‌رسد. هیچ کس این کار را نخواهد کرد.

شما فقط فکر خواهید کرد، به چه دانشی نیاز دارم؟ و آن دانش برای استفاده شما ظاهر می‌شود. اما موضوع حتی عجیب‌تر و غریب‌تر هم می‌شود. زیرا ما نه تنها قادر به انتقال دانش خواهیم بود، بلکه قادر به انتقال خاطرات نیز خواهیم بود.

حالا، شما می‌توانید تجربه‌ای مثل چتربازی داشته باشید. و ناگهان، می‌توانید آن تجربه را به یک دوست منتقل کنید. و ناگهان، او چیزی را که شما تجربه کرده‌اید، تجربه کرده است.

حتی عجیب‌تر هم می‌شود. چون ما زندگی خودمان را به عنوان زندگی خودمان خواهیم زیست. ما زندگی‌ها و خاطراتمان را می‌شناسیم.

اما ناگهان به زندگی هر کسی که بخواهد آن را در اختیار شما قرار دهد، دسترسی خواهید داشت. مردم زندگی خود را به صورت متن باز منتشر خواهند کرد. بنابراین دیگران می‌توانند بخش‌هایی از زندگی آنها را دانلود کرده و آن چیزها را تجربه کنند.

این واقعاً عجیب خواهد بود. ما تفاوت بین حافظه خودمان و حافظه‌ای که از شخص دیگری به دست آورده‌ایم را نخواهیم دانست. در مورد آن فکر کنید.

قضیه حتی عجیب‌تر هم می‌شود. خب، شما، همه ما اینجا در سیبز مشغول یادگیری هستیم، درست است؟ گرفتن مدرک مدیریت اجرایی (EMBA) و مدیریت اجرایی (MBA) . خب، این دیگر منسوخ خواهد شد.

چون سیبز به معنای واقعی کلمه در فضای ابری خواهد بود. و شما هر آنچه را که نیاز به دانستنش دارید، در هر زمانی که نیاز به دانستنش دارید، از بهترین ذهن‌های دنیا دانلود خواهید کرد. مغزهای ما... ما دیگر دانشگاه‌هایی مانند امروز نخواهیم داشت.

این تغییر خواهد کرد. اطلاعات بنا به تقاضا ارائه خواهد شد. اطلاعات به کالایی تبدیل خواهد شد.

دانش به کالایی تبدیل خواهد شد. همه ما باهوش‌تر خواهیم بود، فضای ذخیره‌سازی نامحدود و دسترسی نامحدود به اطلاعات خواهیم داشت. چنین چیزی بی‌سابقه خواهد بود.

ما دیگر این انسان منزوی نخواهیم بود. ما به همه چیز متصل خواهیم بود. بنابراین، می‌توانید تصور کنید، نه تنها می‌توانیم دانش کسب کنیم، بلکه می‌توانیم در واقع تجربیات کاملی را در ذهن خود داشته باشیم.

بنابراین در حال حاضر ما این واحدهای واقعیت مجازی دست و پا گیر را داریم که باید آنها را نصب کنیم. اما در آینده، می‌توانید یک محیط کامل را دانلود کنید و واقعاً در آن زندگی کنید. و همه شما ممکن است فکر کنید، این واقعی نیست.

اما آیا می‌دانی، هر شب که خواب می‌بینی، آن خواب‌ها واقعی هستند. مهم نیست که رویاهایت چقدر خارق‌العاده باشند، آنها واقعی هستند. احساس می‌کنی واقعاً آنجا هستی.

مغز ما این قابلیت را از قبل در خود دارد. تنها چیزی که لازم است، فناوری است که تصاویر مناسب را در مغز ما تحریک و منتقل کند تا مغز ما آنها را خلق کند، و سپس ما طوری زندگی خواهیم کرد که... تفاوت بین رویا و واقعیت محو خواهد شد. ما زمان زیادی را خارج از بدن خود خواهیم گذراند.

خب، به این فکر کنید. شما به عنوان یک انسان، الان در این بدن گرفتار هستید. اما وقتی به اینترنت متصل شوید، دیگر در بدن خود گرفتار نیستید.

شما در واقع می‌توانید در هر زمانی در هر مکانی باشید که هر شخص یا دستگاه دیگری اطلاعات حسی را دریافت می‌کند. بنابراین ممکن است یک ربات در مریخ باشد و شما به معنای واقعی کلمه بتوانید به ربات در مریخ دسترسی پیدا کنید و مثل این باشد که در مریخ هستید. این می‌تواند تجربه، از جمله احساسات، احساسات فیزیکی، مانند هر چیزی که شما در مریخ هستید را کاملاً بازسازی کند.

تو می‌توانی از دل آدم‌های دیگر زندگی کنی. ستاره پاپ مورد علاقه‌ات. دانشمند مورد علاقه‌ات.

اگر ایلان ماسک به شما اجازه می‌داد، می‌توانستید همین الان در ذهن ایلان ماسک باشید و همان کاری را که او انجام می‌دهد، انجام دهید. خیلی عجیب می‌شود چون حواس ما الان، پنج حس بدنمان را داریم. اما ناگهان، اگر به دنیایی از ماشین‌های هوشمند و حسگرهای هوشمند متصل شویم، دیگر پنج حس نخواهیم داشت.

ما به صدها ورودی حسی دسترسی خواهیم داشت. مادون قرمز، درسته؟ همه این فرابنفش، همه این انواع مختلف حس‌هایی که قبلاً حتی تجربه نکرده‌ایم. این امر به طور اساسی نحوه درک ما از هستی را تغییر خواهد داد.

بنابراین اگر شروع به قدم گذاشتن در این مسیر کنید، می‌بینید، ما حتی... زندگی امروز ما کاملاً برای ما بیگانه خواهد بود. ما در یک واقعیت کاملاً متفاوت زندگی خواهیم کرد که اطلاعات، اطلاعات حسی، اطلاعات داده‌ای، خاطرات، همه اینها را از سراسر جهان در این اینترنت عظیم با هم ترکیب می‌کند. و این اتفاق خواهد افتاد و می‌تواند رخ دهد.

پس بیایید حتی فراتر برویم. تجربه زندگی‌های دیگر. خب، همه ما چیزهایی را در زندگی خود تجربه می‌کنیم.

اما حالا، ما قادر خواهیم بود زندگی‌های زیادی داشته باشیم. شما می‌توانید زندگی‌های زیادی داشته باشید زیرا می‌توانید به افراد دیگر در جاهای دیگر دسترسی داشته باشید و از طریق آنها زندگی کنید. و اگر بخواهید در مورد این فکر کنید، می‌تواند تقریباً مثل بهشت ​​باشد.

چرا این را می‌گویم؟ چون اگر هر دین اصلی جهان، هر دینی، بودیسم، مسیحیت، هندوئیسم را مطالعه کنید، چیزی که آن ادیان به ما وعده می‌دهند این است که در آینده از بدن‌هایمان فرار خواهیم کرد. ما به بهشتی یا نیروانا یا حالتی از نیستی یا حالتی از شمول با همه خواهیم رفت. دیگر ما و آگاهی‌مان به عنوان یک فرد به بدن‌هایمان محدود نخواهیم شد.

در واقع، اگر همین الان به عنوان یک انسان به ما نگاه کنید، اگر من درد را حس کنم، اگر درد داشته باشم، هیچ کس دیگری نمی‌تواند دردی را که من حس می‌کنم حس کند. اگر شما درد دارید، من نمی‌توانم درد شما را حس کنم. می‌توانم برای شما متاسف باشم.

من می‌توانم با تو همدردی کنم. اما نمی‌توانم درد تو را حس کنم. اما در این دنیا، ما واقعاً قادر خواهیم بود احساسات دیگران را حس کنیم.

شما در واقع نه تنها می‌توانید داده‌ها و اطلاعات حسی، بلکه احساسات را نیز منتقل کنید. من در واقع می‌توانم، من درد شما را می‌دانم، شما درد ما را می‌دانید و انسان‌ها هرگز تنها نخواهند بود. بنابراین، به نقطه‌ای خواهیم رسید که ما به عنوان خدایان، مانند خدایان، واقعیت خودمان را خلق خواهیم کرد.

ما برای اولین بار در تاریخ، تجربه انسانی را از نو تعریف خواهیم کرد. این اتفاق می‌تواند رخ دهد و رخ خواهد داد، اما چیزی که می‌خواهیم در مورد آن فکر کنیم این است که فناوری واقعاً قدرتمند است.

اینترنت، به عنوان یک وسیله‌ی متصل، واقعاً قدرتمند است. اما ما قبلاً به شکلی بسیار ابتدایی، فقط با تلفن‌های همراهمان، این دستگاه‌های ابتدایی، دیده‌ایم که چگونه می‌تواند زندگی ما را کاملاً تغییر دهد. مثلاً، زندگی همه‌ی ما توسط وی‌چت تغییر کرده است.

اینترنت زندگی همه ما را تغییر داده است. خب، ما اکنون در مسیری قرار گرفته‌ایم که در آن ما به اینترنت تبدیل خواهیم شد. اینترنت به ما تبدیل خواهد شد.

آنها جدایی‌ناپذیر خواهند بود. ما انبار و هر چیز دیگری را در همه جا خواهیم داشت. و وقتی این کار را انجام می‌دهیم، باید درک کنیم که این یک مسئولیت بزرگ است.

این چیزی است که ما به عنوان یک جامعه، ما به عنوان نسل بشر، باید خیلی خیلی با دقت در مورد آن فکر کنیم. چون تصور کنید، مردم می‌توانند الان تلفن همراه شما را هک کنند. مردم می‌توانند کامپیوتر شما را هک کنند.

و این می‌تواند بد باشد. آنها می‌توانند اطلاعات بانکی شما را بدزدند، تمام پول شما را بگیرند. آنها می‌توانند هویت شما را بدزدند.

اما آنها واقعاً نمی‌توانند به شما آسیبی برسانند. با این حال، در آینده، اگر کسی به دلیل اتصال به اینترنت، سر شما را هک کند، می‌تواند شما را بدزدد. آنها واقعاً می‌توانند شما را بدزدند.

آنها می‌توانند خاطراتی را که ندارید در ذهنتان حک کنند. می‌توانند خاطرات را پاک کنند. می‌توانند شما را به روش‌هایی کنترل کنند که حتی متوجه نشوید که تحت کنترل هستید.

آیا این ترسناک است؟ خب، من روی دستم یک بهشت ​​کشیدم، اما جهنمی هم وجود دارد. درست است؟ این بهشت ​​و جهنم است. ما در آستانه‌ی این فناوری هستیم که بسیار قدرتمند است و پتانسیل این را دارد که زندگی و وجود ما را به طور اساسی تغییر دهد.

و ما باید در مورد نحوه انجام این کار بسیار مراقب باشیم. ما نمی‌خواهیم مردم ما را کنترل کنند. پس در مورد این فکر کنید.

خیلی با دقت فکر کنید. همه شما در این اتاق افراد بسیار باهوشی هستید. همه شما تحصیلات عالی دارید.

ما قرار است در طول زندگی خود تصمیماتی بگیریم که زمینه‌ساز این فناوری خواهد بود. و این تصمیمات بیش از هر تصمیمی که در گذشته گرفته‌ایم، بر بقیه بشریت تأثیر خواهد گذاشت. بنابراین می‌خواستم از شما تشکر کنم.

من نویسنده‌ی کتاب «به پرواز درآوردن فیل‌ها» هستم که توسط ژانگ شین منتشر شده است. و من عاشق چین هستم. من همیشه به اینجا سفر می‌کنم و فناوری‌های جدید را بررسی می‌کنم.

و فقط می‌خواهم بگویم که از حضور در اینجا لذت بردم. خیلی ممنونم.

)رونویسی توسط TurboScribe.ai. برای حذف این پیام، از حالت نامحدود استفاده کنید.(